

نقش معلم در هدایت دانش آموزان

مقدمه:

در عصر ما ذکر این نکته که چه حد کتاب و کتابخوانی موجب رشد دینی و اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی و عقلانی آدمی است ضرورتی ندارد، زیرا همه می‌دانند که کتابهای مفید و سودمند یکی از بهترین ابزار رساندن پیام و انتقال فرهنگ و تمدن بشری از نسلی به نسل دیگر است^(۱) و گسترش فرهنگ مکتوب و ترویج کتاب و کتابخوانی یکی از اساسی‌ترین و مناسب‌ترین اقدام در جهت توسعه، رشد و تعمیق فرهنگ خودی و مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه است. بررسی وضعیت تاریخی، اجتماعی و فرهنگی کشور نشان می‌دهد که کتاب از دیرزمان حافظ و احیاکننده تفکر و اندیشه‌های متعالی سرزمین اسلامی ما و منبع عظیمی جهت سیراب نمودن عطش طالبان علم و اندیشه و حقیقت بوده است.^(۲)

پس اگر کتاب به‌گونه‌ای شایسته در اختیار قرار گیرد و خوانده شود و برداشتهای مناسب از آن صورت گیرد مؤید تفکر است و قوت دهنده تعقل و یار حکمت.

علمای تعلیم و تربیت را عقیده بر آن است که نقش مدرسه آن نیست که نوارهای ضبط صوت تولید کند، بلکه بزرگترین وظیفه مدرسه‌ها پرورش و توسعه قدرت تفکر و خلاقیت و تواناییها و مهارتهای یادگیری در کودکان است.

خلاصه آنکه باید به رغبت و علاقه کودکان در امر مطالعه عنایت داشت، ولی رغبت توأم با آزادی و اراده که چنین

توجهی می‌تواند شخصیت لایقی برای آنان فراهم کند.

تذکر این نکته ضرورت دارد که بسیاری پدران و مادرانی که مایلند بدانند اوقات فراغت فرزندان خود را چگونه پر کنند. چه نوع اطلاعاتی به آنان ارائه دهند تا زمینه‌ساز رشد عقلی و اجتماعی و اخلاقی و گرایشهای مذهبی آنان شود. چگونه با فرزندان خود دمساز شوند. برای سنخین مختلف آن چه کتابهایی خریداری کنند. چگونه برای آنان کتاب بخوانند و چه شیوه‌هایی به کاربرند تا علاقه به کتاب و کتابخوانی در آنان تقویت شود. این احساس نیاز را نه تنها در پدران و مادران که در جامعه معلمان و مربیان مدارس نیز می‌یابیم. به یقین آنان نیز مایلند بدانند چگونه باید مطالعه کنند و چگونه می‌توانند دانش آموزان خود را به خواندن بیشتر و پرثمر علاقه‌مند سازند و از چه طریق می‌توانند ذوق و شوق مطالعه را در آنان زنده نگه دارند. چه کتابهایی را برای کلاسهای مختلف و سنین متفاوت توصیه می‌کنند و چه شیوه‌هایی را برای مهارت در خواندن و گسترش کتابخوانی برگزینند.^(۳) باید دید که کتابخانه، در نظام آموزشی

ما چه جایگاهی دارد؟ اجرای «زنگ مطالعه» در برنامه‌های آموزشی مدارس ایران چه وضعیتی دارد و میزان گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی در میان دانش آموزان ایرانی چگونه است؟

واقعیت این است که آن تعریفی که

اکنون از «کتابخانه» در برنامه‌های آموزشی و پرورشی نظامهای پیشرفته جهان به عمل می‌آید، با آنچه در مدارس ایران، وجود دارد، مطابقت ندارد. کتابخانه، قلب مدرسه و مکملی است برای آموزشهای کلاسیک درون کلاسهای درسی. امکان اینکه معلم، بتواند به یکباره هر چیزی را که می‌خواهد به دانش آموز خود منتقل کند، اندک است و اصلاً تفاوت‌های فردی فراگیران، چنین امکانی را از وی سلب می‌کند. در این



به کتابخانه و کتابخوانی

حسین سلیمی باهر

حال، کتابخانه می‌تواند به کمک معلم بشتاید و دانش‌آموزان را در تکمیل اطلاعات خود، با نظارت و هدایت معلم، یاری دهد. کتابخانه می‌تواند در دانش‌آموز ایجاد سؤال کند و باعث متنوع شدن مباحث در کلاس درس و نیز درون مدرسه شود.^(۳) در این نوشتار از کتابخانه کلاس، نقش معلم در هدایت و علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به مطالعه و مسائل اساسی در این زمینه، سخن رفته است که می‌تواند

مورد استفاده معلمان، پدران و مادران و همه علاقه‌مندان قرار گیرد.

کتابخانه کلاس

از قرن‌ها پیش آموزش و پرورش با شاگردان و معلم و کتاب سر و کار داشته است و هنر خواندن همیشه بین تمامی ملل متمدن از اولین خواسته‌های تعلیم و تربیت تلقی شده است. شاید بتوان از کتاب، بیشتر از منابع دیگر معلومات بدست آورد.

بدون نیاز به کتاب تقریباً پرورش قابلیت روشنفکری و قضاوت آرام در شاگردان غیر ممکن است. مادام که معلم نتواند بگوید «شما عقیده مرا راجع به موضوع شنیدید حالا می‌خواهم به کتب مختلف مراجعه کنید و ببینید دیگران در این باره چه نظری دارند» نمی‌تواند افکار شاگردان را روشن و کامل کند.

مادام که معلم نتواند بگوید: «خوب حالا سه قانون نیوتون را راجع به حرکت یاد گرفته‌ایم حالا می‌خواهم شما کتابهایی را مطالعه کنید که استفاده علمی بشر را از این تئوریها برایتان معلوم دارد» در واقع فقط مفهوم نظریه را یاد داده است بدون اینکه ذره‌ای از موارد استفاده آن را در زندگی روزانه نشان بدهد.

کتاب سنگ زیربنای دانش هستند و نقش معلم این است که گودبرداری و حفاری پی‌های بنا را هدایت کند. این روزها به علت کاربرد بسیار رادیو و تلویزیون، طرز فکر

راجع به امر تربیت و مطالعه آرام در معرض خطر قرار گرفته و راه «میان‌بر» برای بدست آوردن معلومات، رادیو و تلویزیون شده است و اما متأسفانه این راه‌های خوش آیند قدیم از ثمرات روشن بی‌بهره است زیرا قادر به ایجاد شخصیت و مطالعه جدی در شاگردان نیست.

با قبول این اصل که وجود کتاب در مدارس ضروری است فوراً این سنوال پیش می‌آید که چه نوع کتاب‌هایی را باید فراهم کرد و کتابهای تهیه شده را چگونه باید اداره کرد.

در مورد نوع کتاب نخست اینکه کتابها یقیناً باید به موازات کار مدرسه تهیه بشود. ساده‌تر بگویم شاگردان ما باید بتوانند راجع به موضوعاتی که در مدرسه یاد می‌گیرند مطالب بیشتری را از مطالعه کتاب بدست بیاورند. ثانیاً خیلی مهم است که کتابهایی در کتابخانه مدرسه باشد که تخیلات شاگردان را به کار اندازد و به آنها راحتی و شادی ببخشد.

راجع به جنبه اداری کار، دو اصل مهم باید در نظر گرفته شود.

نخست اینکه وجود یک مرکز عقلانی در هر مدرسه بسیار اهمیت دارد و این مکان مقدس، کتابخانه مدرسه است که باید وقف مطالعات آرام و ساکت شود.

موضوع دومی که باید به آن توجه داشت این است که کتابها همیشه باید آماده باشند تا به محض احتیاج کسی فوراً در اختیار او گذاشته شود و شاگردان در صورت احتیاج قادر باشند که چند دفعه



کتابی را گرفته بدون اجبار به قدم زدن در راهروی مدرسه شروع به خواندن آن کنند. با این وضع به کتابخانه کلاس نزدیک می‌شویم. کتابخانه کلاس باید علاقه‌شاگردان را به مطالعه کتب بیفزاید و آنها را آماده سازد که از تسهیلات مدرسه استفاده کنند و بعدها هم از تجربیات مدرسه خود در کتابخانه‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان و عمومی استفاده نمایند.

رغبت به مطالعه آزاد را می‌توان بی‌هیچ تشریفات از راه داشتن یک قفسه پر از کتابهای مناسب سن کودکان در کلاس ایجاد کرد. ردیف‌های طولانی کتاب در کتابخانه به نحوی از انحاء در نظر یک کودک ۹ ساله ظاهری مهیب دارد ولی چند جلد کتاب خواندنی یا قصه یا کتب مورد مراجعه کودکان چنین حساسی را در کودک بر نمی‌انگیزد، زیرا آنها را در گوشه اتاق درس خود می‌بیند. بعلاوه وقتی برایش معلوم شد که این کتابها جزو دارایی کلاس اوست در این صورت کتابها برای او چیزی نخواهد بود جز اشیا جالب توجه و مفیدی که بوسیله آنها ساعتها از وقت خود را با خواندن حوادث و وقایع هیجان‌انگیز صرف می‌کند و چیزهایی را کشف می‌کند که کودک میل به دانستنشان دارد.

پیشنهاد می‌شود که اصل راهنمای ما برای تشکیل کتابخانه کلاس، هر دو هدف کتابخانه که قبلاً نام بردیم باشد. ما کتابهایی لازم داریم که بی‌اینکه خود شاگردان متوجه بشوند در واقع توضیح دهنده موضوعاتی باشد که درس می‌دهیم. مثلاً سه یا چهار کتاب راجع به سوابق موضوع درس. البته به دو یا سه کتاب لغت هم احتیاج داریم و نیز به همین تعداد دایرةالمعارف کوچک. در درجه دوم منتخباتی از کتب حکایات و سرگرمیهای که مناسب با تجارب و وضع فکر کلاس باشد.

کتابخانه کلاس برای مطالعه عنوان و موضوعات و کار به روش تربیتی دالتون در یک میزان محدود مجال زیاد می‌دهد و معلم رار قادر می‌سازد که تکالیف فردی یا

دسته‌جمعی خوبی معین کند. زیرا می‌داند که اطلاعات لازم در کتابخانه در دسترس هست. ضمناً برعکس وضع مطالعه در کتابخانه مدرسه، در کلاس هر آن معلم برای مشورت و راهنمایی آماده است. به محض اینکه شاگرد درک کند که کتابخانه کلاس، راجع به مطالب و مسائل مورد علاقه او می‌تواند اطلاعاتی در اختیار او بگذارد، به کتاب و کتابخانه با نظر احترام خواهد نگرست.

البته اساس مطلب برای داشتن یک کتابخانه مفید این است که به کلاس تعلق داشته باشد و کاملاً به دست دانش‌آموزان کلاس اداره شود. با خرید پنجاه شصت جلد کتاب و جا دادن آنها در قفسه‌ها و اینکه معلم کلید را پیش خود نگهدارد، کتابخانه کلاس تأسیس نشده است. چنین روشی سبب خواهد شد که کودکان بر این عقیده باشند که این نیز یکی از همان کارهای مدرسه است، بخصوص که دست آهنین معلم نیز در پخش آن دخالت داشته باشد. اگر کودکان در انتخاب کتب، نظر خود را بگویند و حس کنند که کتابها جزو اموال خود آنها است و اگر کتابخانه به دست خود آنها و برای خودشان اداره شود در این صورت همیشه ذوق و شوق خواهند داشت که کتب کتابخانه کلاس را صفحه به صفحه ورق بزنند و با مطالعه آنها اوقات خود را به بهترین نحوی بگذرانند.^(۵)

نقش معلم در هدایت و علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به مطالعه

اگر از دوستان، آشنایان و از کسانی که علاقه‌مند به مطالعه هستند و ساعاتی از وقت آزاد خود را بطور مرتب صرف آن می‌کنند، بپرسند از کی، چگونه و در اثر چه به مطالعه روی آورده و به آن عادت کرده‌اند، خواهید دید که همواره شخصی چون پدر و مادر، یا برادر یا خواهر، معلم یا دبیر، یا دوستی در این کار نقش اولیه مؤثری داشته است. اصولاً مطالعه امری است اکتسابی و نادرند، کسانی که به ابتکار

و همت و ذوق خود به مطالعه گرایش پیدا کرده باشند. تحقیق نشان داده است که نظام تعلیم و تربیت، روشهای تدریس و نحوه کار معلم در ایجاد عادت به مطالعه نقش مهمی را به عهده دارند.

نظام آموزشی یک کشور فقط دوره تعلیمات عمومی را دربر نمی‌گیرد، بلکه آموزش قبل از دبستان تا سنین بزرگسالی و اخذ مدارک علمی و فنی مختلف و حتی دوره‌های آموزش پس از آن را نیز شامل



می‌شود بطور خلاصه نظام آموزشی عبارت است از آموزش مداوم همه افراد اجتماع. فلسفه‌ای که مبنای این نظام قرار می‌گیرد و در همه امور کشوری تأثیر می‌گذارد در ایجاد علاقه و عادت به مطالعه نیز بسیار موثر است. تا زمانی که مدارک تحصیلی و نمرات درسی ملاک انتخاب و پیشرفت افراد در امور مختلف اجتماع است و کاردانی و وسعت معلومات اشخاص و تجربیات و مطالعاتشان کمتر مورد نظر

قرار می‌گیرد مطالعه امری تقننی بدون نفع تلقی می‌شود و مردم چه در طی تحصیل و چه پس از اخذ مدارک تحصیلی، کمتر بدان روی می‌آورند.

روش تدریس و کتابهای درسی نیز اثر مستقیمی در ایجاد علاقه به مطالعه می‌گذارند. اگر از همان سال اول ابتدایی کارهای اکتشافی ساده، تحقیقات متعدد ولی آسان و قابل عمل، مراجعه به منابع مختلف (کتابها و افراد) و بحث و تفکر، اساس کار کلاس باشد و امتحان و ارزشیابی محدود به مفاهیم مشخص کتاب درسی نباشد و به این ترتیب زمینه لازم برای گسترش مفاهیم در حد قدرت شاگرد و کلاس فراهم آید و کودکان از همان ابتدا عملاً عادت کنند به منابع و مآخذ مختلف مراجعه کنند و فکر خود را نیز در یادگیری مواد مختلف بکار گیرند، در این صورت است که کتابهای غیر درسی منبعی می‌شوند برای مراجعه مداوم دانش آموز.

معلم نیز به عنوان رکن اساسی انتقال فلسفه صحیح آموزشی، اگر علاقه‌مند و کاردان باشد می‌تواند اثر عمیقی در ایجاد علاقه به مطالعه بر جای گذارد. فراوانند معلمانی که گرچه اسیر فلسفه عقب افتاده آموزش برای دریافت مدارک تحصیلی بوده‌اند و کتابهای درسی خوب در اختیار نداشته‌اند ولی با ابتکار و جدیت خود شاگردانی پرورده‌اند که دانش را به معنای عمیق و وسیع خود دریافته‌اند و برای کسب آن کوشش کرده‌اند. معلمانی نیز هستند که با در اختیار داشتن فلسفه پیشرو نظام جدید تعلیم و تربیت و کتابهای درسی بهتر و راهنماهای تدریس دقیق، شاگردان را به حفظ کردن مطالب وادار می‌کنند و آنها را از مطالعه کتاب چه درسی و چه غیر درسی بیزار می‌سازند.

یک معلم باید با چگونگی علاقه‌مند کردن شاگردان به مطالعه و برنامه‌ریزی این کار و چگونگی تطبیق آن با برنامه کلاسهای مختلف کاملاً آشنا باشد و همچنین شناخت نقش معلم و کتابدار در این زمینه و دانستن چگونگی تبدیل این علاقه به

عادت و سپس به شوق و ایجاد همکاری بین خانواده و آموزشگاه و کتابخانه، و تنظیم برنامه کار با کودکانی که یا کتاب نمی‌خوانند یا انحراف خواندن دارند، نکاتی هستند که معلم باید بداند تا در این زمینه نیز آموزش و پرورش بتواند از نظر کیفی پیش برود.

برنامه‌ای که برای رسیدن به منظور فوق بایستی دنبال شود عبارتند از:

- ۱- داستان‌گویی و کتابخوانی
- ۲- معرفی کتاب
- ۳- نمایشگاه کتاب
- ۴- بحث و گفتگو درباره کتاب
- ۵- بازیها و مسابقات مربوط به کتاب
- ۶- روزهای خاص (ایام الله) و برنامه‌های آن
- ۷- نمایش فیلم و اسلاید و فیلم استریپ (۶)

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- نانسو لاریک. «چگونه بچه‌هایمان را به مطالعه تشویق کنیم». ترجمه مهین مجتاج، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۶، ص ۵
- ۲- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، بروشور هفته کتاب، ص ۱
- ۳- چگونه بچه‌هایمان را به مطالعه تشویق کنیم، صص ۶-۸
- ۴- ما و مدرسه‌های بدون کتاب، روزنامه همشهری، ۱۶ آبان ۱۳۷۲، ص ۱۱
- ۵- جمس‌دان هیل، «آیین کلاس‌داری»، ترجمه جمشیدبهروش (تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی ۱۳۲۸، ص ۶۵-۷۲
- ۶- لیل ایمن (آهی)، توران خمارلو (میرهادی)، مهدخت دولت آبادی، کدری در ادبیات کودکان (تهران: انشورای کتاب کودک، ۱۳۵۵) ص ۱۱۹-۱۲۲

